

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۰۹/۱۷

در افغانستان چه می گذرد؟ (۸۵)

موشک باری :

شام جمعه تاریخ دهم سپتمبر سه موشک پیاپی بر جلال آباد فرود آمد که یکی ازین موشکها بر خانه ای اصابت کرد و در اثر آن ده تن زخمی شدند. این موشک که به سوی محل اسقرار نیرو های نظامی در نزدیک میدان هوایی جلال آباد شلیک شده بود، بر خانه ای اصابت کرد و دو موشک دیگر در جاهای اصابت کردند که محل سکونت نبوده و به این صورت تلفات و خساراتی در پی نداشت. با اینکه طالبان مسئولیت این موشک اندازی را نگرفتند احتمال دارد که یکی از دو گروه جاهل و فاشیست طالبان و یا حزب اسلامی گلبدین دست به این کار زده باشند. موشک اندازی های کور یکی از کار های این دو جریان است که بدون در نظر داشت اینکه این موشک بر فرق چه کسی فرود می آید دست به انداختن آن زده که تمامی آنها بر خانه های مسکونی مردم بیچاره اصابت می کنند. اما بعد از فیر، سخنگویان اینان با لاف و پتاق های بسیار به دروغ اعلان می کنند که این قدر از افراد نظامی را کشته و اینقدر را زخمی ساخته اند. این کار به صورت شبانه و به طور همیشگی توسط طالبان در شهر غزنی هم صورت می گیرد و مردم ازین بابت سخت در عذاب اند و شکایات آنها برای دولت و نیرو های خارجی هم تا حال به جایی نرسیده است.

درین حال شام ۱۲ سپتمبر ۵ موشک بر میدان هوایی بگرام شلیک شد که حد اقل یکی از آنها بر خانه ای درین میدان اصابت کرد که ده تن از عساکر امریکائی را زخمی کرد و بعد از تداوی دوباره به کار های شان برگشتند و تلفاتی به دنبال نداشت. اما ذبیح الله مجاهد ادعا میکند که بر بگرام هشت موشک شلیک کرده و تاوان سر مال به امریکائی ها وارد کرده اند.

فهم نمرد:

قسیم فهم معاون اول کرزی که هم مریضی شکرو هم سرطان خون دارد ، هر شش ماه یکبار برای تعویض خونش به اروپا می رود و بعد مدتی جور است. او دو هفته قبل به المان و فرانسه جهت تداوی اش رفت و بعد سایت های

زیادی از جمله سایت بینوا نوشت که فهمید در یکی از شفاخانه های المان مرده است و بعد افراد نزدیک به او این ادعا را رد کرد. وی به تاریخ ۱۴ سپتمبر دوباره به کابل برگشت و در میدان هوایی کابل گفت که آنانی که شایعه مرگ او را منتشر کرده را مورد پیگرد قانونی قرار خواهد داد. مردم از شنیدن مرگ این قاتل و جنگسالار خوشی میکردند، اما زنده برگشتن او را به فال بد گرفتند.

افغانستان و تجزیه:

با اینکه از سالها به این سو و مخصوصاً از زمان تجاوز شوروی به افغانستان، تجزیه افغانستان مورد بحث و ارزیابی قرار میگرفت و گفته می شد که روسها در آخرین تحلیل چنین کاری را در افغانستان به سر خواهند رساند، اما فروپاشی و زود بر آمدن آنها از افغانستان چنین فرصتی را از آنان گرفت و بعد از آنکه امریکائی ها به افغانستان تجاوز کردند تا حال چندین بار مسأله تجزیه افغانستان و تغییر اساسی نقشه این منطقه مورد بحث قرار گرفته و تا حال چند بار نقشه های گوناگونی نیز به چاپ رسیده که در آن افغانستان به چند بخش تقسیم شده است که بسیاری آنها در حد حرف فکر کرده و برای کسی چندان جدی نبود. اما چندی قبل مطبوعات پاکستان خبر فرستادن پیامی از سوی امریکائی ها به ملا عمر رهبر طالبان را گزارش دادند که در برخی از رسانه های افغانستان نیز انعکاس داشت، مخصوصاً رسانه هائی که به زبان پشتو نوشته می شوند و برخی از آنها که به حزب اسلامی و طالبان نزدیکتر اند این مسأله را با جدیت بیشتری پی گرفتند. اینک بار دیگر نشریه ویسا که از رسانه های ازین جنس است، خبر می دهد که گزارشات رسیده به این نشریه حاکی از آن است که یک هفته قبل از ماه رمضان ملا عبدالسلام ضعیف، اکبر آغا و ملا متوکل که از تسلیمی های طالبان اند و حال با هر دو طرف رابطه دارند از کابل به قندهار برده شدند و به کمک حشمت کرزی که مالک یک کمپنی امنیتی خصوصی و دارای امکانات وسیع امنیتی است و با سنگریار یکی از قومندانان دیگر تسلیمی و سابق طالبان که فعلاً در قندهار زندگی می کنند، با این پیام به سپین بولدک برده شده، چون در بولدک طیاره نمیرود، لذا مسؤولیت این امنیت را کمپنی حشمت کرزی گرفت و آنان این پیام را به نمایندگان ملا عمر در آن جا تحویل دادند. امریکائی ها درین پیام دو پیشنهاد به ملا عمر داشتند که شامل تحویلی سه ولایت جنوب (پکتیا، پکتیکا و خوست) به طالبان در بدل پیوستن به صلح و یا تحویلی کل قدرت افغانستان در عوض دولت کنونی به طالبان با این شرط که طالبان سه پایگاه در کابل، قندهار و نیمروز به امریکا بدهد (امریکائی ها پایگاه نیمروز را برای تهدید ایران میخواهند)، می شد و ملا عمر این پیشنهاد ها را رد کرده و این نشان می دهد که مصالحه با طالبان به گونه ای دیگری از سوی امریکائی ها در جریان است. چون امریکائی ها در نظر دارند تا ماموریت جدیدی در آسیای میانه برایشان بدهند و از اکنون نیرو های طالب و القاعده در کنز در حال تجمع میباشند که یکی از شرایط آن تجزیه افغانستان به شمال و جنوب است که به نحوی برای طالبان پیشنهاد شده است..

درین میان چندی قبل رابرت بلک ویل سفیر سابق امریکا در هندوستان طی مقاله ای پیشنهاد کرده بود که امریکا باید مناطق پشتون نشین جنوب را به طالبان تحویل دهد و نیرو های امریکائی در شمال افغانستان جابه جا شوند تا تلفات نیرو های آن در جنگ کنونی کاهش یابد (کاریکه امریکائی ها با تجاوز به ویتنام و بعد در کوریا انجام دادند) و بعد گالبرایت معاون پیشین نماینده سرمنشی ملل متحد در کابل نیز این طرح را با توضیح بیشتر مورد ارزیابی قرار داده و از دولت امریکا خواهان چنین تجزیه ای شده بود. اینک انستیتوت مطالعات ستراتیژیک در لندن نیز پیشنهاد کرده که جنوب افغانستان به طالبان سپرده شود و بخشی از سربازان غربی فقط در شمال

افغانستان مستقر گردند. به گفته ای این انستیتوت «طرح کنونی برای اعمار و تقویۀ افغانستان کار آئی ندارد و بهتر است تا از کمک های دیپلماتیک غرب در جای دیگر استفاده شود». اینکه این جا کجا خواهد بود تا حال چیزی افشاء نشده است.

اما بعد از آنکه نوشته بلک ویل در رسانه های افغانستان به خصوص پورتال "افغانستان آزاد-آزادافغانستان" با واکنش شدید افغانها رو به رو شد، ایکانبری سفیر امریکا در کابل، طرح بلک ویل را مسخره خواند و ابراز داشت که ایالات متحده در مورد تجزیه افغانستان هیچ برنامه ای ندارد و هیچ کس هم انتظار ندارد که سفیر امریکا به این زودی چنین اعترافی بکند و اینک دومنیک میدلی سخنگوی دفتر نماینده ملکی ناتو برای افغانستان می گوید که نیرو های حافظ صلح فرماندهی ناتو ، یکجا با نیرو های ملی افغانستان کار می کنند تا افغانها و افغانستان را نجات دهند، اینکه این نیروها افغانستان را از چه کسی نجات بدهد قابل مکث است چون امریکائی ها برای طالبان پیشنهاد میدهند. به گفته وی ، افغانستان یک کشور واحد است ، حکومت منتخب به رضایت مردم در اینجا ایجاد شده و هیچگونه پلانی برای تجزیه آن وجود ندارد.

درمیان این همه مقالات و اظهار نظر ها پیام اخیر امریکا به ملا عمر که یکی از شروط مصالحه تحویلی جنوب افغانستان به طالبان عنوان شده به نحوی صحه گذاری بر پیشنهاد بلک ویل است و اینکه این بار از سوی ملا عمر رد شده و در آینده چه خواهد شد، مقداری مربوط به تصمیم آی اس آی هم می شود، چون طالبان بدون مشوره و نظر و هدایت پاکستان کاری از پیش برده نمیتوانند، اما آنچه مسلم است اینکه امریکا در تجزیه افغانستان به شمال و جنوب در صورتی که منافع آن ایجاب کند، لحظه ای درنگ نخواهد کرد و این پیام برای ملا عمر به تمام افغانها نیز پیام جدی تری دارد و آن اینکه طرح تجزیه کشور ما می تواند هر زمانی در دستور روز اشغالگران و امپریالیست های متجاوز غربی قرار گیرد و به معامله گذاشته شود.

امریکائی ها با حضور در پایگاه های شان در کابل ، قندهار و نیمروز به خواستی می رسند که بعضی از تحلیل گران سیاسی مقصد از آمدن امریکا به افغانستان را از همان روز اول چنین تعبیر می کردند، آنان ابراز می داشتند که امریکا از طریق افغانستان میخواهد سلطه اش را بر آسیا قایم سازد و به این خاطر تا زمانیکه به حد اقل این خواست نرسد هرگز افغانستان را رها نخواهند کرد و لذا با چنین تبنانی در صورتی که طالبان حاضر شوند ، به همان خواست روز اول شان دست می یابند. اما اینکه یکباره نیرو های طالب و القاعده به شمال افغانستان سرازیر شدند و حتی در آن زمان بسیاری از مردم به شمول کرزی گفتند که هلیکوپتر های نا شناخته ای طالبان را به شمال پیاده می کنند و اکنون جنگجویان القاعده ، مخصوصاً افراد مسلح حزب تحریرازبکستان که یکی از شاخه های مقتدر القاعده است در کندز جابه جا شده و برای تسلط کامل بر این ولایت تا حال حد اقل ۷ قومندان طالب و حزب اسلامی را به خاطر سرپیچی از اوامر شان خلع سلاح کرده اند، با این وضع کمتر گمان می رود که امریکائی ها فقط به فکر جابه جایی در شمال باشند و جنوب را به لقایش ببخشند چون میبینیم که در ظاهر شمال روزتا روز نا آرام تر نسبت به جنوب میگردد و چون یکی از اهداف امریکا تهدید کشور های آسیای میانه است لذا دلیلی وجود ندارد که طالبان را فقط در جنوب میخکوب بسازد. پیشنهاد اخیر امریکا به ملا عمر نیز نشان می دهد که امریکائی ها در آخرین تحلیل با داشتن سه پایگاه مقتدر در افغانستان بسنده کرده که اگر این سه پایگاه در مرکز و جنوب باشند و از شمال چیزی در آن یاد نشده است.

با تمام این تبلیغات و اظهارات ضد و نقیض در مورد تجزیه افغانستان، مردم افغانستان باید درین مورد هوشیار باشند و این مقالات و پیشنهاد ها را به عنوان زنگ خطری بدانند که ممکن روزی به واقعیت تبدیل گردند، زیرا تا

بادی نباشد، بیدی نلرزد. مخصوصاً که این نوشته ها و پیشنهاد ها به وسیله افراد بیطرف نه که به وسیله کسانی صورت می گیرد که خود از مجریان سیاست خارجی ایالات متحده امریکا درین منطقه بوده و به علاوه اینکه به خم و پیچ سیاست های آن کشور درین منطقه آگاهی کامل دارند، مشوره های شان نمی تواند برای وزارت خارجه، وزارت دفاع، سازمان سیا و در نهایت برای قصر سفید جدی نباشد و اینان مطمئناً با شنیدن زیگنال های خاصی به چنین نوشته ها و ابراز نظر هائی دست میزنند و آرام آرام این طرح را در ذهنیت و افکار جهانی القاء می نمایند تا در روز موعود چنان عمل گردد.

مکتب سوزی:

یکی از کار های طالبان مزدور در افغانستان مقابله با درس و تحصیل است، زیرا آنان میخواهند تا تمام مردم افغانستان چون خود شان افراد جاهل، سخیف و نادان بار آیند و به این خاطر اینان هر روز به مکتب سوزی اشتغال داشته و تا حال بیش از ۷۰۰ مکتب را سوزانده اند. به همین سلسله آنها در صبح روز ۱۳ سپتمبر یک مکتب لیسه را در ولسوالی انجیل ولایت هرات به آتش کشیدند که تمام دروازه ها، کلکین ها و کتاب و کتابخانه با میز و چوکی این لیسه در آتش سوختند. درین لیسه بیش از سه هزار نفر درس میخواندند و حال تمام شاگردان این مکتب سر و سر گردان اند. این اولین مکتبی است که به سلسله مکتب سوزی های طالبان در هرات صورت میگیرد و طالبان این را برایشان افتخار بزرگی میدانند. در اثر مخالفت طالبان با درس و تعلیم و مکتب اینک پنج و نیم ملیون طفل در افغانستان به مکتب رفته نمیتوانند و از رسیدن به سواد محروم اند.

حمله در ارزگان:

ارزگان که یکی از مراکز مهم قدرت طالبان به حساب می آید همیشه شاهد درگیری های فراوانی بوده است و درین ولایت که تا یکماه قبل نیرو های هالندی مستقر بودند، هیچگاه با طالبان در رویارویی قرار نگرفته و به این خاطر گراف تلفات هالندی ها در افغانستان بسیار کم بوده، طی شش سال فقط ۲۴ نفر تلفات داشته اند. حال که این نیرو ها از ارزگان خارج شده اند، نیرو های امریکائی و انگلیسی به عوض آن درین ولایت آشوب زده جا به جا شده اند و درگیری های شدیدی با طالبان دارند. حاکمیت این ولایت به دست یکی از جنایتکاران جنگسالار به نام جان محمد خان است. او که مدتها والی ارزگان بود، اکنون مشاور کرسی می باشد و با احمد ولی یکجا در قندهار زندگی دارد، خواهر زاده جان محمد خان که مطیع الله نام دارد، بیش از سه هزار مرد مسلح در اختیار دارد و درین چند سال در بدل پولهای کلانی لوژستیک هالندی ها را از قندهار انتقال می داد و شهر ترینکوت مرکز ارزگان را در اختیار کامل خود دارد و حال این قرار داد ها را با نیرو های انگلیسی و امریکائی انجام میدهند. هالندی ها کمتر از پایگاه های شان درین ولایت بیرون میشدند، آنان در بدل پرداخت پول به مطیع الله زندگی خود را تأمین میکردند. اما از روزیکه نیرو های امریکائی و انگلیسی در ارزگان مستقر شده اند، این نیرو ها در نقاط مختلف این ولایت گشت و گذار میکنند. روز ۱۲ سپتمبر در جریان حرکت یک کاروان نیرو های امریکائی مینی انفجار یافت که با وجود تخریب موثر امریکائی ها بازهم به سرنشینان آن اسیبی نرسید و وقتی این نیرو ها قصد عبور از دریا را داشتند، نیرو های طالب بر آنها حمله کردند و چون منطقه دشت و خالی از سکنه بود، نیرو ی هوائی به زودی به داد این کاروان رسیده و حمله سختی را بر طالبان انجام دادند که در نتیجه ۱۴ تن از افراد طالب با قومندان شان به نام محمدی به قتل رسیدند و این از عملیات موفق نیرو های اشغالگر در ارزگان میباشد که بر طالبان انجام میگیرد.

گدائی از نوع دیگر:

بعد از آنکه سیلاب های مدهشی در پاکستان سرازیر شد و برخی ها آنرا در نتیجه استعمال سلاح کشنده هارپ امریکا میداند، در کنار اینکه صد ها خانواده افغان به افغانستان آمده اند، عده ای زیادی از پنجابی ها و کشمیری ها نیز با خانواده های شان به کابل سرازیر شده و به گدائی اشتغال دارند. این افراد که بیشتر شان ریش مانده و پتلون پوش اند و زنان شان با چادری به همراه اطفال شان یکجا گدائی میکنند، در مسیر راه ها ایستاد شده و به سخنرانی های بلندی از مردم پول جمع می کنند و چون در میان خود افغانها نیز در شهر کابل هزاران گدا وجود دارد، لذا میان این گدا های بومی و گدا های تازه وارد همیشه جنجال وجود دارد و تا حال چند بار میان شان درگیری هم رخ داده است. به این ترتیب با فقر، فاقگی و بیکاری که در افغانستان مسلط می باشد و مخصوصاً در کابل گدا ها بینهایت زیاد شده ، اکنون این شهر را به راستی میتوان شهر گدا ها نامید.

سربازان انگلیسی و مواد مخدر:

اخیراً ادعا های مبنی بر اینکه نیرو های انگلیسی در کمپ باستین در هلمند و همچنان در قندهار دست به قاچاق مواد مخدر میزنند، گزارش های بسیاری به نشر رسیده و به این خاطر انگلیس ها میگویند که به تلاشی این عساکر پرداخته و شرایط دسترسی شان را به مواد مخدر کم ساخته اند و تعدادی از سگ های تعلیم یافته را نیز به این کمپ ها برده اند. این درحالیست که در افغانستان همه به این باورند که انگلیس ها خود مافیای مواد مخدر در افغانستان اند و درین سالها نه تنها انگلیس ها که در هلمند مستقر بوده به مقابله با کشت و قاچاق مواد مخدر نپرداخته که در گسترش آن نیز کوشش نموده اند، دوسال قبل رادیوی سمون درین ولایت از قول انگلیس ها اعلان کرد که آنان نه به کشت و نه قاچاق مواد مخدر کار دارند و به این صورت رسماً تولید تریاک را در هلمند آزاد گذاشتند. تا حال درمورد سود امریکائی ها و انگلیس ها از بابت کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان گزارشات ضد و نقیضی منتشر شده است. برخی ها این درآمد را چهارصد ملیارد دالر، برخی هشتاد ملیارد و برخی ۶۵ ملیارد بر آورد کرده اند که این منافع بعد از آنکه یک درصد به دهقانان و شش درصد به مافیای منطقه ئی رسید ، بقیه در جیب امریکائی ها و انگلیس ها سرازیر میگردد و این نیرو ها روزانه بین ۵ تا ۶ صد کیلوگرام هیروئین را از افغانستان خارج میسازند و بخش اعظمی از مصارف نظامی شان را ازین طریق تأمین می گردد. در شرایط کنونی افغانستان بیش از ۹۰ درصد مواد مخدر جهان را تولید میکند که بیشتر از هفت ولایت به دست می آید و بسیاری از صاحب نظران به این باورند که اختلاف میان انگلیس و امریکا در افغانستان بیشتر بر سر تسلط بر مواد مخدر میباشد.

حامد نوری کشته شد:

حامد نوری که از فارغان فاکولته ادبیات پوهنتون کابل بود و در زمان حاکمیت مزدوران روس به جناح پرچم بسته بود و حال علاوه به اینکه گهگاهی در تلویزیون دولتی نطایقی میکرد، کورس ادبیات نارون را نیز معلمی میکرد و مدتی هم سخنگوی قانونی بود، شام پنجم اگست در مقابل بلاک های مکروریان اول که محل زندگی او بود، به وسیله افرادی که تا حال نا شناخته باقی مانده اند، به ضرب چند گلوله از پا در آمد و به قتل رسید. سید حامد نوری که از هیأت رهبری اتحادیه زورنالیستان بود، در روابط بسیار نزدیکی با جنگسالاران شورای نظار قرار داشت و

ازین بابت پول های خوبی هم به دست می آورد. بسیاری در کابل فکر میکنند که این گلوله ها نتیجه اختلافات درونی شورای نظر است که با کمپاین انتخاباتی کنونی مقداری تشدید یافته است. سید حامد نوری به عنوان یک پرچمی درین سالها تا توانست به شورای نظاری ها خدمت کرد و بالاخره او را سوراخ سوراخ کردند، اما بعید به نظر میرسد که کسی به دنبال قاتلان او خود را سرگردان کند. زیرا ازین قتل ها در کابل بسیار اتفاق افتاده، اما کسی پرسان آنها را نکرده است.

انفجار در غزنی:

شام شنبه، چهارم سپتمبر انفجار مهیبی شهر غزنی را تکان داد. درین انفجار که ۴۵ تن از افرادی که در حال انجام تروایح بودند، زخمی شدند و به دو شفاخانه در شهر غزنی برده شده، که برخی بعد از مداوا رخصت شدند. این انفجار در اثر مواد انفجاری تعبیه شده در مارکیتی که متصل به این مسجد است به وقوع پیوست. شهر غزنی و در مجموع ولایت غزنی یکی از نا امن ترین ولایات کشور در چند ماه اخیر بوده است. درین ولایت که ۱۵۰۰ تن از نیرو های پولندی عضو پیمان ناتو مستقر اند تا حال قادر نشده اند که نیرو های طالبان را عقب بزنند و هر شب به طور مسلسل بر این شهر از چند طرف راکت باری از راه دور صورت میگیرد و مردم ازین بابت در آتش میسوزند. بسیاری از ساکنان شهر غزنی که توان فرار را داشته اند، درین ماه ها ازین شهر فرار کرده به کابل، ایران و پاکستان رفته اند. نیرو های پولندی در چند هفته برای ۴ ولسوالی این ولایت عملیات شمشیر را به راه انداخت، اما هیچ کاری از این عملیات ساخته نشد، چنانچه در جریان اجرای این عملیات بازهم طالبان بر شهر غزنی راکت پرتاب می کردند و مردم بازهم به فرار شان ازین شهر ادامه دادند.

دولت پوشالی شورای علی صلح میسازد:

کرزی که از دیر زمانی عاشق و سینه چاک مصالحه با ملا عمر و گلبدین بوده اینک بالاخره بعد از چند نشست پیاپی با جمعی از سران جنایتکار تنظیمی در ارگ ریاست جمهوری، اعضای ۵۰ تا ۶۰ نفری شورای عالی صلح مسخره کرزی ترتیب گردید که گفته می شود نام های شان بعد از عید اعلان خواهد شد. درین شورا به علاوه رهبران فاسد و جنایت پیشه جهادی، اعضای خونریز سابق طالبان چون ملا متوکل، ارسلا رحمانی، موسی هوتک، عبدالحکیم مجاهد و حبیب الله پوخی شرکت خواهند داشت و معصوم استانکزی مشاور امنیت داخلی کرزی که یکی از جواسیس خاص انگلیس است، به عنوان رئیس دارالانشای این شورا انتخاب شده است. همچنان در شورای عالی صلح هفت زن نیز در نظر گرفته شده که اسمای صدیقه بلخی، جمیله مجاهد، قمر خوستی و فرح سرابی سر زبانهاست. برخی ها به این باورند که صبغت الله مجددی در ریاست این شورا قرار خواهد گرفت، اما عده ای چانس برهان الدین ربانی را بیشتر میدانند، چون او در جرگه ملی مشورتی به عنوان رئیس شورا تعیین شده بود و ازین بابت مجددی دلچسپ چهار تشویش و اضطراب شده و معلوم میشود که وضعیتهش چندان خوب نیست. با چنین ترکیبی، شورای عالی صلح نه تنها جواب مثبتی از طالبان خواهد شنید که با برخورد های خشونت آمیز تر به آن پاسخ داده خواهد شد، چون دم طالبان زیر پای استخبارات پاکستان و سی ای ای امریکاست و امریکائی که بیشتر به جنگ و نا امنی در افغانستان فکر میکنند نمیخواهند به این زودی این غایله را به سر برسانند، رهبران جهادی که هسته اصلی این شورا را می سازند، در زمان ظهور طالبان و بعد از آن تا سقوط امارت طالبان، درگیری های سختی میان خود داشتند و درین جنگها از دو طرف هزاران تن به قتل رسیدند. طالبان این رهبران فاسد را به

حق «شرو فساد» می نامیدند، اینکه در موضع طالبان نسبت به این رهبران و گذشته آنان چه تغییری به وجود آمده تا حال در عمل چیزی دیده نشده است.

صبغت الله مجددی بعد از تشکیل این شورا به سناتوران مشرانو جرگه گفت که «شورای صلح کامیاب نخواهد شد». مجددی این نوع تلاش ها را در جهت ایجاد صلح بی نتیجه میداند و به گفته وی «کلید حل این مشکل نزد استخبارات پاکستان است». وی که مدتها رئیس کمیسیون تحکیم صلح بود، حال نظر دارد که با تشکیل شورای عالی صلح این کمیسیون درین شورا مدغم گردد. معلوم می شود که این بار امریکائی ها اجازه داری او را برای به سر رساندن این کار نپذیرفته و به این خاطر بسیار قهر و غضب دارد. ورنه او کی است که به ضد استخبارات پاکستان حرف بزند، کسی که سالها در دامن آن پرورش یافته است.

با اینکه تا حال جرگه صلح منطقه ئی، کمیسیون تحکیم صلح و جرگه ملی مشورتی صلح از سوی دولت افغانستان تشکیل شده، اما جنگجویان طالب این ها را در حد پفی حساب کرده، کوچکترین رغبتی به شرکت در چنین روندی از خود نشان نداده و همیشه تغییر در قانون اساسی و خروج نیرو های خارجی از افغانستان را پیش شرط مذاکره برای رسیدن به صلح قرار داده اند. ایالات متحده آمریکا که از مهمترین اشغالگران افغانستان و حامیان سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت افغانستان است تا حال با جدیت ازین روند حمایت نکرده، کلینتون وزیر خارجه آمریکا به صراحت میگوید که طالبان باید قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، روابط خود را با القاعده قطع کنند و به حقوق زن احترام بگذارند و چون میداند که طالبان این کار را نمیکند و یا برای شان گفته میشود که این کار را نکنند، لذا عملی شده نمیتواند. اما دیوید پتریوس قومندان عمومی نیروهای اشغالگر در افغانستان اخیراً اعلان کرد که آمریکا از پروسه صلح کرزی حمایت میکند اما در آن شرکت نمی نماید که بیانگر عدم دلگرمی آمریکا به این روند است و این را هر آدم کم سواد می داند که در هر پروسه ای در افغانستان اگر ایالات متحده به صورت فعال شرکت نکند، امکان پیروزی آن نا ممکن خواهد بود.

پاکستان یکی از فکتور های مهم و حتی کلید اساسی برگزاری چنین صلحی به حساب می آید. در صورتیکه هر رهبر و یا قومندان طالب بدون اجازه و نظر پاکستانی ها بخواهد تا درین پروسه شرکت کند، دستگیر و زندانی خواهد شد، این واقعیت را در دستگیری ملا برادر وزیر دفاع و فرد دوم طالبان دیدیم که وقتی ملا برادر بناء به مناسبات و روابط قومی با برادران کرزی در ارتباط قرار گرفت و خواست درین پروسه شرکت کند، آی اس آی به زودی او و چند تن از همکاران نزدیکش را دستگیر نمودند که حال در زندان های پاکستان به سختی شب و روز را می گذرانند. پاکستانی ها با این دستگیری در حقیقت به تمام رهبران و قومندانان طالب اخطار کردند که با کوچکترین سرکشی از مشوره آنها به چنین سرنوشتی دچار خواهند شد.

شورای عالی صلح اینک زمانی تشکیل می گردد که طالبان نسبت به گذشته در موقعیت مسلط تری قرار دارند. آنان نه تنها جنوب که شمال افغانستان را نیز تهدید کرده و در چند ولایت شمال از مدتی به اینسو، جنگ های خونینی را به راه انداخته، از موقعیت بر تر صحبت کرده و به این خاطر طرح های دولت افغانستان برای شان جدی نیست. این حقیقت را زمانی جنرال مک کریستال گفته بود که اگر عملیات نظامی برای تضعیف طالبان توأم با پیشنهاد صلح به پیش برده نشود، چنین طرح های بی نتیجه خواهند ماند، زیرا نیروئی حاضر به مصالحه میگردد که چانس پیروزی خود را در جنگ کمتر ببیند، در حالیکه طالبان اکنون از هر زمانی خود را نیرومند تر و قدرت مند تر احساس کرده و در صدد ایجاد پایگاه های قوی در شمال افغانستان می باشند.

دولت افغانستان با ترکیبی که دارد، مملو از فساد و بیکفایتی است، این را امریکائی ها خوب میدانند و می فهمند که چنین دولتی برای مخالفان نمیتواند به مرجع ایده آلی تبدیل گردد تا به این آسانی بیایند و با آن اتحاد کنند. دولتی که حامیان امریکائی اش پیوسته از آن شکوه دارند و خواهان تغییر اساسی در آن میباشند و به زودی شاهد تغییراتی در آن خواهیم بود، پس طالبان با چه معیاری در برابر چنین حاکمیتی زانو بزنند و خود را در بحری از بدبختی های مردم افغانستان شریک بسازند. این مصالحه زمانی ممکن است که امریکا و پاکستان به این نتیجه برسند.

۱۶ طفل در کنر زخمی شدند:

عصر روز ۶ سپتمبر ۱۶ طفل در ولسوالی مانوگی ولایت کنر در اثر انفجاری زخمی شدند.. این انفجار در منطقه بارکندی این ولسوالی به وقوع پیوست. درین مسیر در اثر حمله طالبان بر یک قطار ناتو که یک موتر ناتو آتش گرفت و اطفال به دیدن موتر حریق شده گرد آمده بودند، انفجاری در موتر به وقوع پیوست که در اثر آن ۱۶ طفل مجروح شد. سنین این مجروحان بین ده تا دوازده سال میباشد. و حال بیشتر آنها خوب نبوده ، داکتران تلاش دارند تا زندگی این اطفال را نجات بدهند.